

دکتر کنوت هایم، امثال، درس ۱۹

مادر لموئیل، امثال ۳۱: ۱-۹

کنوت هایم و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنوت هایم و تعلیم او در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۹، تعلیم مادر پادشاه لموئیل، امثال فصل ۳۱، آیات ۱ تا ۹ است.

به سخنرانی نوزدهم در مورد کتاب مقدس امثال خوش آمدید. اکنون در فصل پایانی کتاب هستیم که از دو بخش تشکیل شده است که به نظر من به هم مرتبط هستند، همانطور که در سخنرانی بعدی و پایانی توضیح خواهم داد.

اما در این سخنرانی، قصد داریم به آیات ۱ تا ۹، آموزه‌های مادر پادشاه لموئیل که لموئیل سپس با خوانندگان خود و ما در طول قرن‌ها به اشتراک می‌گذارد، نگاهی بیندازیم. چند کلمه به عنوان مقدمه. در آیه سخنرانی که ملکه مادر به پسرش می‌دهد، که از آیات ۲ تا ۹ است، با سخنان پادشاه لموئیل، گفتاری ۱، وحی‌ای که مادرش به او آموخته است، معرفی، NRSV الهام‌شده که مادرش به او آموخته است، و در می‌شود.

و باز هم، چیزی که می‌بینیم این است که ما همان کلمه، ماسا، را اینجا داریم. و اکنون اینجا، سخنان ملکه مادر، سخنان یک زن، به عنوان یک گفته الهامی در امتداد گفته الهامی آگور که در فصل ۳۰ سخنرانی قبلی به آن پرداختیم، اعلام می‌شود. بنابراین، به نظر من، این اطلاعاتی که در اینجا در مورد طیف وسیعی از چیزهای مختلف به ما داده می‌شود، قابل توجه است.

اولاً، در تمام سلسله‌های پیچیده پادشاهان اسرائیل، چه در پادشاهی شمالی و چه در یهودا، که در سراسر کتب تاریخی کتاب مقدس با دقت بسیار زیادی مستند شده‌اند، هیچ پادشاه شناخته‌شده‌ای به نام لموئیل وجود ندارد. آنقدر دقیق که حتی پادشاهانی که تنها چند روز سلطنت کرده‌اند نیز با دقت ثبت شده‌اند. و اغلب حتی ارزیابی‌هایی از عملکرد آنها به عنوان پادشاه به ما ارائه می‌شود.

معمولاً آنها خیلی خوب عمل نمی‌کردند. بنابراین، پیدا کردن پادشاه لموئیل در اینجا بسیار تعجب‌آور است که احتمالاً تقریباً به طور قطع به این معنی است که این پادشاه یک پادشاه خارجی، یک پادشاه غیر اسرائیلی است، و احتمالاً - ما این را نمی‌دانیم، البته می‌تواند اینطور باشد - احتمالاً یک مادر غیر اسرائیلی داشته است. اگرچه ممکن است این مادر در اصل یک اسرائیلی بوده باشد که برای ملکه شدن پدر پادشاه لموئیل ازدواج کرده بود.

ممکن است، اما هیچ راهی برای دانستن آن وجود ندارد. اما این می‌تواند اولاً موضع اخلاقی، معنوی و خردمندانه‌ی او را که با پسرش به اشتراک می‌گذارد، توضیح دهد، که به نظر می‌رسد بسیار با آموزه‌های کلی کتاب امثال مطابقت دارد. و همچنین توضیح می‌دهد که چگونه این آموزه‌های یک پادشاه خارجی به این مجموعه‌ی نهایی از مجموعه‌های کتاب امثال کتاب مقدس راه یافته است.

ضمناً، این من را به یک سخنرانی قبلی که در موردش صحبت کردیم برمی‌گرداند، یعنی دستورالعمل آمنوپ که در فصل‌های ۲۲ تا ۲۴ به دست گرفته شده بود. و من کاملاً توضیح ندادم که چگونه این اتفاق افتاده است. توضیح دادم که فکر می‌کنم این یک اتفاق کاملاً طبیعی و خوب است.

اما به احتمال زیاد دلیل این اتفاق، بخش دیگری از دیپلماسی بین‌المللی است، زیرا افرادی که شاید درباریان یا دیپلمات‌ها، سفیران بین اسرائیل و مصر بودند، ممکن است با این نوشته مواجه شده باشند. یا یک سفیر مصری ممکن است این نوشته را، شاید به عنوان هدیه، به دربار اسرائیل آورده باشد. بنابراین، اینها انواع توضیحاتی هستند که این موضوع را قابل قبول می‌کنند که چرا نوشته‌های بین‌المللی، نوشته‌های فلسفی، در مجموعه کتاب‌های مقدس نیز رد و بدل و اقتباس می‌شدند.

بنابراین، من فکر می‌کنم این جذاب و هیجان‌انگیز است که ما حکمت بین‌المللی را به عنوان یک گفتار الهام‌بخش به عنوان بخشی از کتاب مقدس اسرائیل گنجانده‌ایم. نکته واقعاً جالب و جذاب دیگر این است که ما، در میان سایر موارد، یک سخنرانی طولانی‌تر، یک سخنرانی نسبتاً طولانی، توسط یک زن را به عنوان یک گفتار الهام‌بخش در کتاب مقدس ثبت کرده‌ایم. من در یکی از سخنرانی‌های قبلی، هنگام بررسی امثال به این موضوع اشاره کردم که اگرچه این کتاب به وضوح عمدتاً برای مخاطبان مرد نوشته شده و ۱۱:۲۲ توسط نویسندگان مرد نوشته شده است، با این وجود زنان نقش برجسته‌ای در انواع سطوح ایفا می‌کنند.

نه تنها به عنوان همسران و معشوقان مطلوب، بلکه به عنوان منحرف‌کنندگان خطرناک. نه تنها به عنوان زنان احمق، بلکه به عنوان زنانی که واقعاً می‌توانند زندگی اطرافیان خود، به ویژه شوهران و فرزندان و خانواده گسترده‌تر را بهبود بخشند. اکنون در اینجا نمونه‌ای از یک چهره زن برجسته با جایگاه بین‌المللی را داریم که در کتاب مقدس ظاهر می‌شود.

بنابراین، جدا از هر چیز دیگری، این فقط نشان می‌دهد که زنان، قطعاً در این کتاب مقدس، مهم هستند. می‌توان چیزهای بیشتری گفت، اما متأسفانه، ما وقت نداریم که به تفصیل به این موضوع بپردازیم. اما فعلاً فقط می‌خواهم بگویم که زنان در امور معنوی، در امور الهیاتی، در کتاب مقدس مهم هستند.

و آنها تعلیم می‌دهند و راهنمایی می‌کنند، اگر دوست دارید، آنها در صفحات کتاب مقدس موعظه می‌کنند. و این یک مثال است. خب، او چه می‌گوید؟ من دوباره این را مثل فصل قبل، آیه به آیه، بررسی می‌کنم.

،خوشبختانه، آنقدر طولانی نیست، بنابراین می‌توانیم اینجا این کار را انجام دهیم. او می‌گوید، گوش کن پسر، گوش کن، پسر رحم من، گوش کن، پسر، پاسخ دعا‌های من. این کمی اغراق‌آمیز است، درست است؟ چرا او با پسرش اینگونه صحبت می‌کند؟ ما نمی‌دانیم او چند ساله بود، اما به نظر من مثل یک پسر کوچک، مثل یک بچه مدرسه‌ای شیطان، با او رفتار می‌کند.

تا زمانی که باید به او بگوید، سه بار گوش کن، با تأکید بر پسر، پسر، پسر رحم من، او آشکارا کار اشتباهی انجام داده است. او دارد او را سرزنش می‌کند. و از عقل سلیم و احترامی که او به عنوان مادرش برای او قائل است، می‌خواهد که این بار واقعاً به حرفش گوش دهد.

و دوباره، وقتی فقط این را می‌خوانیم و فکر می‌کنیم، اوه، این کتاب مقدس است، یا هر چیز دیگری، و به جزئیات نحوه کارکرد شعر توجه نمی‌کنیم، ممکن است لحن سرزنش‌آمیز و اصطکاک بین دو عضو خانواده را در اینجا ندیده باشیم. این پادشاه است، اما مادرش پادشاه را سرزنش می‌کند. پس چرا مادرش او را سرزنش می‌کند؟ خب، شاید بتوانیم دلیلش را بفهمیم.

بنابراین، تا زمانی که او این را می‌گوید، سه بار می‌گوید نه. نه، پسر رحم من، نه، پسر رحم من، نه، پسر نذرهای من. پس، آن به‌ای که او انجام می‌داد چیست که او به آن نه می‌گوید؟ خب، آیه بعدی می‌گوید، این چهارمین نه است، قدرت خود را به زنان نده، راه‌های خود را به کسانی که پادشاهان را نابود می‌کنند.

، اتفاقاً، کاملاً با نحوه‌ی برخورد یک مرد با یک دختر در فصل قبل، یعنی فقدان فروتنی، جور درمی‌آید. البته اینجا یک پادشاه داریم، پادشاهان در طول اعصار اساساً به خاطر این نوع چیزها مشهور بوده‌اند.

افراط جنسی. و این مادر ملکه می‌گوید، مشکل اینجا شماره یک است، چندین مورد از آنها وجود دارد، نه فقط یکی. و دوم، او می‌گوید، این چندین مورد، این نوع زنان، همان‌هایی هستند که پادشاهان را نابود می‌کنند.

البته، ما به هیچ وجه نمی‌توانیم بدانیم که این زنان چه کسانی بودند. با این حال، به نظر من، محتمل‌ترین کاندیداهای این شغل، احتمالاً فاحشه‌ها هستند. تعداد زیادی از آنها، تعداد زیادی از آنها

و ملکه مادر نگران است که پسرش با توجه بیش از حد به اتاق خوابش، از وظایف خود به عنوان حاکم ملت غافل شود. و به همین دلیل است که این زنان به طور بالقوه پادشاهان را نابود می‌کنند. زیرا این کار آنها را از انجام صحیح وظیفه‌شان منحرف می‌کند.

به نظر من این یک جمله‌ی کلی کتاب مقدس نیست که بگوید فاحشه‌ها بد هستند. بلکه منظور این جمله، این است که مردان یا زنانی که با روابط جنسی بی‌قید و بند، خود را از مسئولیت‌هایشان منحرف می‌کنند، در معرض خطر نابودی قرار دارند. بنابراین، تأکید بر شرارت زنان نیست.

این به حماقت مردان مربوط می‌شود. و من فکر می‌کنم این مهم است زیرا ما اینجا یک زن داریم که درباره زنان دیگر صحبت می‌کند. و نه به شیوه‌ای مهربانانه.

اما نکته اینجا این نیست که زنان دیگر را بد جلوه دهد. نکته اصلی این نیست. نکته اصلی این است که پسرش را از رفتار احمقانه برحذر دارد.

رفتار احمقانه و خطرناکی در این مورد. او ادامه می‌دهد و می‌گوید، این آیه ۴ است، ای لموئیل، پادشاهان را شایسته نیست که شراب بنوشند و حاکمان را شایسته نیست که نوشیدنی‌های قوی میل کنند. وگرنه خواهند نوشید و آنچه را که مقرر شده است فراموش خواهند کرد و منحرف خواهند شد و حقوق همه ستمدیدگان را پایمال خواهند کرد.

بنابراین، این هم یک بله دیگر به نه‌های ملکه مادر. او می‌گوید که پادشاهان نباید مشروب بخورند. و البته مسئله، نوشیدن الکل و نوشیدن زیاد آن است.

بنابراین، این هم یک حواس‌پرتی دیگر. نه تنها حواس‌پرتی جنسی، بلکه حواس‌پرتی از طریق نوشیدنی‌های مست‌کننده. در این مورد الکل.

و او دارد می‌گوید خطر نوشیدن الکل و احتمالاً همچنین خطر غیرمستقیم مشغول شدن به کارهای دیگری غیر از حکومت، این است که آسیب‌پذیرترین افراد جامعه توسط فردی که مسئول آنهاست نادیده گرفته می‌شوند. او اینجا بر این نکته تأکید می‌کند. یا آنها الکل می‌نوشند و آنچه را که حکم شده فراموش می‌کنند.

احتمالاً، این یک حکم الهی است. فرامین خداوند. و حقوق همه ستمدیدگان را پایمال خواهد کرد.

بنابراین، حقوق همه آسیب‌دیدگان. این مربوط به عدالت اجتماعی برای کسانی است که در جامعه آسیب‌پذیر هستند. ما به سمت بیوه‌ها، یتیمان، بیگانگان و فقرا رانده می‌شویم.

آن دسته از افرادی که نمی‌توانند به خودشان کمک کنند و به کسی نیاز دارند که به اندازه کافی قوی باشد تا در شکاف [زندگی] برای آنها بایستد و به آنها کمک کند و برایشان مداخله کند. صالحانی که چند سخنرانی پیش در پایان فصل ۲۵ در مورد آنها صحبت کردیم. کسی که قرار است سرچشمه‌ای پاک و زلال باشد

، در آیات ۶ تا ۷، ملکه مادر ادامه می‌دهد و این دوباره بخشی از لحن سرزنش‌آمیز افراطی است. در این مورد، حالا با کنایه. او همچنان پسرش را سرزنش می‌کند و او را تشویق می‌کند که در نوشیدن زیاده‌روی نکند

، و او می‌گوید، به کسی که در حال هلاکت است، نوشیدنی قوی و به کسانی که در سختی و رنج هستند شراب بدهید. بگذارید بنوشند و فقر خود را فراموش کنند و دیگر بدبختی خود را به یاد نیاورند. اکنون او به معنای واقعی کلمه، به پسرش می‌گوید که به نیازمندان و فقرا و کسانی که نمی‌توانند به خودشان کمک کنند، الکل بدهد.

همان‌هایی که به او گفته بود باید بهشان رسیدگی کند. اما آیا واقعاً منظور همین است؟ نه. اتفاقاً یکی از دلایلی که من همیشه بر خواندن تخیلی تأکید می‌کنم، همین است.

یک خوانش تحت‌اللفظی و سراسر بدون تفسیر بیشتر، این را به عنوان تشویق ملکه مادر به پسرش تلقی می‌کند که به او بگوید، روشی که به فقرا کمک می‌کند این است که خودت از نوشیدن دست بکشی و آنها را مست کنی. خوب، این یکی از راه‌های مدیریت بحران است. اما مطمئناً منظور او اینجا این نیست.

اینجا چه خبره، این نهایت کنایه است. تو، پسر، هیچ بهانه‌ای نداری. تو پادشاه هستی.

این مردم بیچاره نمی‌دانند با خودشان چه کنند، چون خیلی آسیب‌پذیرند. شاید بشود فهمید که اگر پول کافی داشتند، چرا مشروب می‌خوردند. چون فقط می‌خواستند بدبختی‌شان را فراموش کنند.

اما تو چنین بهانه‌ای نداری. این چیزی است که او می‌گوید. و سپس به حرکت خود به سمت نکات مثبت ادامه می‌دهد.

بنابراین به جای همه نه-نه‌ها، او اکنون می‌گوید این بله، بله، بله است که باید انجام دهید. آیات ۸ و ۹. از طرف کسانی که نمی‌توانند از حقوق همه بی‌بضاعتان دفاع کنند، صحبت کنید. با صدای بلند صحبت کنید، عادلانه قضاوت کنید و از حقوق فقرا و نیازمندان دفاع کنید.

بنابراین پادشاه باید با حمایت از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه، نقشی فعال در تضمین، حفظ و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه ایفا کند. شنیدن این حرف در دنیای باستان چه چیز شگفت‌انگیزی است. مسئولیت صاحبان قدرت نه تنها اجتناب از خطا، بلکه مشارکت فعال در حمایت از فقرا، نیازمندان تهیدستان، آسیب‌پذیران و کسانی است که نمی‌توانند به خودشان کمک کنند.

فکر می‌کنم این مطلب خیلی مهم است. فکر می‌کنم این چیزی است که به چیزی که چند سخنرانی پیش در مورد امثال ۲۵ گفتم، برمی‌گردد. پارسایی که در برابر شیران تسلیم می‌شود، مانند چشمه گل‌آلود و فواره آلوده است.

آنها تأثیر حیات‌بخش، تقویت‌کننده و پایدارکننده زندگی خود را به عنوان افراد صالح از دست داده‌اند. آنها دیگر صالح نیستند. و من فکر می‌کنم این موضوع، همانطور که در اینجا از کتاب امثال می‌بینیم، برای همه اعضای جامعه که توانایی کمک به دیگران را دارند، صادق است.

و این امر به ویژه طبق امثال ۳۱، ملکه مادر شاه لمار، در مورد صاحبان قدرت و اختیار در جامعه صادق است. این ما را به پایان سخنرانی ۱۹ می‌رساند. این دکتر کنوت هایم در آموزه‌هایش در مورد کتاب امثال است.

.این جلسه شماره ۱۹، تعلیم مادر پادشاه لموئیل، امثال، فصل ۳۱، آیات ۱ تا ۹ است